



نگاهی به انتخابات ۲۰۰۷ ریاست جمهوری و مجلس ملی فرانسه

حسین سپهر
کارشناس ارشد دیپلماسی و
سازمان‌های بین‌المللی
و پژوهشگر مسایل فرانسه



مقدمه

مبارزات انتخاباتی برای انتخاب نمایندگان مجلس ملی فرانسه از روز دوشنبه ۲۱ می ۲۰۰۷ آغاز شده است. کارشناسان سیاسی معتقدند که نمایندگان حزب سوسیالیست و احزاب چپ، شانس برای کسب اکثریت کرسی‌های این مجلس ندارند. نیکلا سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه با روی کار آوردن برخی از اعضای جناح چپ در کابینه دولت تصمیم دارد سوسیالیست‌های این کشور را در عرصه رقابت با نسل جدید نوگلیست‌ها شکست دهد. هر چند مفسران عقیده دارند او به چنین راهبردی نیاز ندارد. نکته، فرانسه خود را پایه‌گذار تمدن جدید و معلم حقوق بشر و دموکراسی می‌داند. از دید فرانسویان اعتبار جهانی فرانسه برآمده از فرهنگ و تمدن غنی و متمایز آن است. برگزاری انتخابات سالم مجلس ملی می‌تواند تاییدی بر این نکته باشد. این نوشتار به مباحثی چون چگونگی شکل‌گیری جمهوری پنجم فرانسه، نظام انتخاباتی مجالس سنا و ملی فرانسه، نظام حزبی و احزاب اصلی، پیامدهای پیروزی سارکوزی، تهدید اصول و ارزش‌های جمهوری و زمینه‌های نزدیکی نوگلیست‌های فرانسه به نومحافظه‌کاران آمریکا می‌پردازد و در پایان یک جمع‌بندی از تحولات سیاسی جاری فرانسه ارائه می‌دهد.

جمهوری پنجم فرانسه

به دنبال همه‌پرسی ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۸، قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه با ۹۷ درصد آرای مثبت مردم به تصویب رسید. به قدرت رسیدن ژنرال شارل دوگل در فرانسه بشارت‌دهنده‌ی نوعی دگرگونی سیاسی در فرانسه بود که عبارت بود از ترکیب دو سنت سیاسی این کشور، یعنی رهبری نیرومند در دستگاه اجرایی، همراه با نظارت دموکراتیک از طریق دستگاه قانون‌گذاری و نقش احزاب در آن، عاملی بود که ویژگی تداوم دموکراسی را به عنوان یک شیوه حکومت در فرانسه جلوه‌گر می‌ساخت.

نکته، جمهوری چهارم در ماه‌های مه-ژوئن ۱۹۵۸ در اثر بحران سیاسی و نظامی شدید که بر سر مساله الجزایر پیش آمده بود، متلاشی شد. سیاستمداران فرانسوی در مقابل تهدید حمله به سرزمین ملی از سوی افسران عالی‌رتبه افراطی و راست‌گرا مستقر در الجزایر به شخصیت کاریزماتیک ژنرال شارل دوگل، رهبر سابق فرانسه آزاد و رئیس دولت موقت ۴۶-۱۹۴۵ پناه بردند.

نظام انتخاباتی مجالس فرانسه

در زمینه تاریخ پارلمان در فرانسه باید اظهار داشت که این نهاد در دوران پادشاهی به عنوان یک مرجع مشورتی در قالب دیوان عدالت در برخی از استان‌ها وجود داشته است. ولی اقتدارطلبی لویی چهاردهم و پانزدهم همواره مانع از توسعه قدرت این نهاد مشورتی بود. انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ و فراز و نشیب‌هایی که دموکراسی از دوره‌ی جمهوری اول تا جمهوری پنجم به خود دید ویژگی خاصی را به نظام پارلمانی در فرانسه داده است.

فصل چهارم از قانون اساسی ۱۴ اکتبر ۱۹۵۸ به بحث پیرامون پارلمان اختصاص یافته است. تمایز اصلی ساختار قوه قانون‌گذاری در جمهوری پنجم در مقایسه با جمهوری سوم و چهارم، تغییر کفه ترازوی قدرت به نفع قوه مجریه و به طور خاص رئیس‌جمهور است. ماده ۲۴ قانون اصلی فرانسه پارلمان را شامل مجمع ملی و مجلس سنا می‌داند به عبارتی نظام دو مجلسی را برای کشور پیش‌بینی کرده است.

الف) مجمع ملی فرانسه
ب) مجلس سنا فرانسه

نظام حزبی و احزاب اصلی فرانسه

در مقایسه با دموکراسی‌های مشابه، پدیده حزب در شکل نوین آن مانند سایر پدیده‌های سیاسی دیرتر وارد فرانسه شد. در انگلستان، احزاب به دنبال اصلاحات انتخاباتی در ۱۸۳۲ زاده شدند. در ایالات متحده حوالی ۱۸۳۰ است که احزاب با بنیادهای قوی مردمی به وجود آمدند و در فرانسه فراکسیون‌ها و جناح‌های مختلف از آغاز دوره جمهوری سوم به طور خاص در مجلس ملی ظهور یافتند، ولی باید منتظر اوایل قرن بیستم باشیم تا در نظام سیاسی فرانسه شاهد ظهور تشکیل احزاب به شکل سازمان یافته و موثر در نظام انتخابات باشیم (پیدایش حزب جمهوری، رادیکال و رادیکال سوسیالیست در ۱۹۰۱ میلادی و ظهور شاخه فرانسوی بین‌الملل کارگری در ۱۹۰۵ میلادی). در واقع نخستین احزاب فرانسه در طیف چپ یعنی

رادیکالیسم و سوسیالیسم زاده شدند. راست فرانسه مدت زمان طولانی با دید منفی و آکراه به ایجاد احزاب باثبات می‌نگریست. شاید به همین علت است که در جناح راست شاهد آن هستیم که معمولاً بانیان یک سازمان حزبی از نامیدن تشکل خود به حزب ابا داشته‌اند و بیشتر از اصطلاحاتی چون اتحاد، فدراسیون، جنبش، مرکز و یا تجمع استفاده کرده‌اند. از نگاه آنها، احتمالاً عنوان حزب عنصر تجزیه‌اراده ملی را تداعی می‌کند. نفوذ زیاد احزاب در پارلمان و تابعیت قوه مجریه از قوه مقننه در جمهوری‌های سوم و چهارم، احتمالاً این گرایش را نزد جناح راست در جمهوری پنجم ایجاد کرده است.

شرایط خاص اقتصادی و سیاسی فرانسه در دهه ۱۹۵۰ باعث ظهور نظام جدید حزبی در این کشور شد. برای مثال در ۱۹۵۶ نزدیک به ۱۸ گروه سیاسی در انتخابات پارلمانی شرکت داشتند، اما در طول سه دهه‌ی گذشته شاهد تغییرات چشمگیری از لحاظ تعداد در نظام حزبی فرانسه هستیم. در حال حاضر چهار یا پنج گروه و حزب اصلی هستند که بیش از ۹۰ درصد از کل آرای ملی را به خود اختصاص می‌دهند. شیوه انتخابات تک نفره و نظام اکثریت دو مرحله‌ای، به نوعی پیمان غیررسمی در مرحله دوم میان احزاب راست، میانه و چپ انجامیده است که با کناره‌گیری برخی از افراد به نفع نامزدهایی که مرام حزبی آنها به خود نزدیک‌ترند نظام حزبی به شکل یک مدل دو یا سه حزبی هدایت می‌شود.

جناح‌های چپ فرانسه

(الف) طیف چپ افراطی

با منزوی شدن مائوئیست‌ها و از بین رفتن حزب سوسیالیست متحد (PSU) در ۱۹۸۹، امروز چپ افراطی در چهره‌ی سازمان‌های طرفدار تروتسکی چون مبارزه کارگری، لیگ کمونیستی انقلابی و حزب کمونیست بین‌الملل متجلی شده است.

(ب) حزب کمونیست فرانسه

این حزب نتیجه انشعابی است که از شاخه فرانسوی بین‌الملل کارگری صورت گرفت. در واقع سوسیالیست‌های انقلابی که شدیداً تحت تأثیر ایده‌های انقلاب ۱۹۱۷ شوروی قرار داشتند، حزب کمونیست فرانسه را به وجود آوردند.

(ج) حزب سوسیالیست فرانسه

این حزب در واقع وارث شاخه فرانسوی بین‌الملل کارگری است که در ۱۹۰۵ تاسیس شده بود. حزب در ۱۹۶۹ تاسیس شد تا به افول سیاسی بین‌الملل کارگری پایان دهد. در ۱۹۷۱ این حزب به رهبری فرانسوا میتران برنامه منظمی را پیشه کرد و موفقیت‌های زیادی را کسب نمود.

(د) سبزه‌های فرانسه

با نامزدی رونه دومان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۷۴، طرفداران محیط زیست فرانسه به عنوان یک گروه سیاسی ظاهر شدند.

جناح‌های راست فرانسه

(الف) اتحاد دموکراتیک فرانسه

این حزب که به حزب ژیسکار دستن معروف است، تاریخچه تاسیس خود را مدیون ریاست جمهوری ژیسکار دستن و تنگناهایی است که مرکز‌گرایان و لیبرال‌ها دچار شده بودند.

(ب) تجمع برای جمهوری

این حزب گلیست به کرات تغییر نام داده است. ابتدا عنوان تجمع برای مردم فرانسه را طی سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۵۳ به خود اختصاص داد و سپس نام اتحاد برای جمهوری جدید و در سال ۱۹۵۹ با نام اتحاد برای دفاع از جمهوری به رهبری ژاک شیراک وارد یک دگردیسی در گلیسم شد.

(د) جبهه ملی فرانسه

به علت خاطرات جنگ جهانی دوم، نوعی انزجار نسبت به جریان‌ات راست افراطی بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۲ در فرانسه وجود داشت. در سال ۱۹۷۲ جبهه ملی فرانسه در میان جو بی‌تفاوتی افکار عمومی تاسیس شد. رشد و محبوبیت این حزب رابطه مستقیم با افزایش مشکلات اجتماعی و اقتصادی در فرانسه داشت. این حزب تا سال ۱۹۸۱ کمتر از ۲ درصد آرا در انتخابات به خود اختصاص داد. ولی رشد قابل توجه آن در اواخر دهه ۱۹۸۰ با کسب ۱۴/۱۶ درصد آرا در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۸۸، پدیده‌ای منحصر به فرد در تاریخ راست افراطی فرانسه است.

(و) حزب اتحاد برای جنبش مردمی

حزب اتحاد برای جنبش مردمی حزب اصلی راست میانه در فرانسه است که در حال حاضر اکثریت کرسی‌های مجلس ملی را در دست دارد و در سنای فرانسه با حمایت احزاب راست‌گرای دیگر از اکثریت برخوردار می‌باشد. برخی از تحلیل‌گران فرانسوی از این حزب به رهبری سارکوزی به عنوان جناح نو محافظه‌کار فرانسه نام برده‌اند زیرا گرایش نزدیکتری نسبت به دیدگاه دولت کنونی آمریکا دارد. حزب مزبور خواهان اصلاح قانون اساسی اروپا و تصویب آن از طریق پارلمان است و به طور صریح مخالفتش را از گسترش اتحادیه اروپا به ویژه ورود ترکیه به آن اعلام کرد. سارکوزی از سال ۲۰۰۴ به عنوان دبیر کل حزب انتخاب شد.

نیکلاسارکوزی سمبل نسل جدید نوگلیست‌ها (راست مدرن)

در تاریخ جمهوری پنجم فرانسه، پیروزی نیکلاسارکوزی با ۵۳ درصد آرا در دومین دور انتخابات ریاست جمهوری ۶ می ۲۰۰۷ یک نقطه عطف برای نوگلیست‌های جوان به شمار می‌آید. زیرا این پیروزی تنها ادامه ساده حاکمیت راست به شمار می‌آید. زیرا این پیروزی تنها ادامه ساده حاکمیت راست به شمار نمی‌آید. جریانی که در بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۱ و سپس از سال ۱۹۹۵، تمام ارکان حکومت را در دست داشته است. سارکوزی نتوانست ماهیت سیاسی بسیار مشخص خود را پنهان سازد. اگر چه او ادعا دارد که با سیاست اراده‌گرایانه‌اش دولتی خواهد ساخت که می‌تواند کشور و ملت را محافظت نماید، اما برنامه اقتصادی و اجتماعی وی به طور وسیعی از دستورهایی که به سبب تاجری الهام گرفته و ارجحیت را به قشر ممتاز جامعه می‌دهد. اما موفقیت سارکوزی را نمی‌توان تنها با تلاش‌های خود او و حمایت بی‌دریغ رسانه‌های جمعی از وی توضیح داد. از سال ۱۹۶۹ تا کنون هیچ گاه مجموعه آرا جناح چپ در دور اول تا این حد پایین نبوده است: ۳۶/۴۴ درصد، دلیل این امر چیست؟

حزب سوسیالیست اجازه داد که نظرسنجی‌ها، کاندیدای حزب را برای ریاست جمهوری تحمیل کنند. خانم سگولن رویال اگر چه توانست زخم انتخابات سال ۲۰۰۲ را ترمیم کند، اما در ارایه چشم‌انداز بسیج‌کننده‌ای به نیروهای مردمی درماند. از سوی دیگر، حزب کمونیست، چپ‌های افراطی و سبزه‌ها نتوانستند گرد هم آیند و ادامه‌دهنده‌ی روندی باشند که با تظاهرات بزرگ اجتماعی برای دفاع از بیمه درمانی و بازنشستگی رای منفی به رفراندوم ۲۹ می ۲۰۰۵ و نیز خشم جوانان حومه به وجود آمده بود. فراسوی اختلافات حزبی و شخصی، مساله اصلی عدم توانایی چپ در ارایه یک سیاست ضد سرمایه‌داری در سطح فرانسه و اروپا است. بر چنین بستری است که می‌باید بی‌هیچ تاملی بازسازی را آغاز نمود. چرا که جریان راست و راست افراطی در قدرت، با این پیروزی در انتخابات مجلس ملی، سیاست ویران‌سازی اجتماعی خود را به زور پیش خواهد برد. تحمیل تنها یک قرارداد کار واحد که از روی قرارداد موقت الهام می‌گیرد.

تهدید اصول و ارزش‌های جمهوری پنجم

فرانسه از دوره‌ی جمهوری اول تا جمهوری پنجم، فراز و نشیب‌های متعددی را در حاکمیت دموکراسی تجربه کرده است. رژیم سیاسی فرانسه در میان

کشورهای اروپایی ضمن حفظ درجه بالای تمرکزگرایی، داعیه‌ی رعایت اصول دموکراسی و رژیم نمایندگی را دارد. در پی ناآرامیهای مدنی مهاجرین حومه شهرها، ژاک شیراک رییس جمهور پیشین فرانسه از وجود بحران معنا، بحران راهنما و بحران هویت در نسل جدید فرانسه یاد کرد و اظهار داشت به طور قطع با سلاح عدالت باید به جنگ این بحران‌ها رفت. وی از بسیج منابع جمهوری پنجم برای مقابله با تبعیض علیه مهاجرین، تجدید میثاق و اعلام وفاداری به اصول و ارزش‌های فرانسه و جمهوری سخن راند و از اجرای بی‌کم و کاست عدالت خبر داد.

آرمان حاکمیت مردمی در انقلاب کبیر فرانسه در دو قرن گذشته، خشونت پیشه‌گی ژاکوبین‌ها، دوره ترمیدور، بناپارتیسم، رجعت لویی‌ها، انقلابات ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸، جمهوری دوم، ناپلئون سوم، جمهوری سوم و چهارم را به خود دیده است. امروزه رژیم سیاسی فرانسه با اتکاب بر اصول و ارزش‌های جمهوری نظیر سکولاریسم در میان کشورهای اروپایی ضمن حفظ درجه بالای تمرکزگرایی، اصول دموکراسی و رژیم نمایندگی را به نحوه شایسته‌ای رعایت می‌کند. به رغم رعایت اصول دموکراسی و مشروع دانستن حقوق و آزادی شهروندان، خلل چندانی در نظم و امنیت داخلی فرانسه مشاهده نمی‌شود و دولت به عنوان ناظر و قاضی برای رعایت مصالح ملی، به موازات توجه به رای و خواسته اکثریت بدون حذف اقلیت، ایفای نقش می‌کند.

همراهی نوگلیست‌های فرانسه با نومحافظه‌کاران آمریکا

فرانسه با بازنگری در سیاست خارجی و واکنشی خود در تقابل با سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا، به سیاست کنش‌گر در جهت نزدیکی و همگرایی با آمریکا در قضیه لبنان روی آورده است. این کشور اراده و نقش خود را در همسویی تاکتیکی با آمریکا متمرکز کرده و حوادث لبنان نقطه‌ی تلافی این همراهی است. شیراک می‌کوشید تا سنت دوگل را در سیاست خارجی ادامه دهد و بر جایگاه ویژه فرانسه در اروپا تاکید کند. اما ظاهراً در این کار موفقیت چندانی کسب نکرده است. در بحران کوزوو، حمله عراق به کویت و حتی حمله آمریکا به عراق به جای ارایه ابتکار عمل و انجام اقدامات واکنشی، عمدتاً به گونه‌ای واکنشی عمل کرده است.

سارکوزی بر خلاف شیراک در آن واحد نئولیبرال، سلطه جو، هوادار آمریکا و اسرائیل است. به رغم تلاش برای کاهش اثرات منفی تملق‌هایش نزد جرج دبلیو بوش، هیچ‌گاه قصد نزدیکی خود به سیاست آمریکا از جمله در مورد خاورمیانه را پنهان نکرده است. حمایت

آرای بیش از ۶۰ درصد جامعه یهودیان و ارامنه فرانسه از سارکوزی در جریان کارزار انتخاباتی با رویال در راستای همین سیاست نزدیکی و همراهی بیشتر با آمریکا، اسرائیل و مقابله با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا تعبیر می‌شود. به طور مختصر سیاست خارجی نوگلیست‌ها حول محورهای ذیل قوام و استمرار می‌یابد:

مجلس ملی فرانسه، همکاری تاکتیکی بین آنها عمق می‌یابد. سارکوزی به نسلی تعلق دارد که می‌خواهد از جنگ سرد عبور کند. از وی و حزبش به عنوان نسل سوم نوگلیست‌ها یاد می‌شود که با فتح مجلس ملی فرانسه خواهان کسب حمایت نمایندگان در اجرای سیاست‌های‌شان بودند. سارکوزی نوگلیست این نگرانی



را هم دارد که آمریکایی‌ها سالهاست که دیگر در فرانسه محبوب نیستند.

۲- فقدان انسجام در چپ‌گرایان فرانسه فرصت مغتنمی برای راست‌های مدرن فرانسه بود تا اکثریت کرسی‌های مجلس ملی فرانسه را از آن خود سازند. به علاوه چپ‌گرایان که بعد از اتحاد مصلحتی با شعار دولت وحدت ملی حول سگولن رویال گرد آمده بودند، هنوز به یک وحدت نظر کلی و نهایی در مورد خط‌مشی و سیاست حزبی خویش نرسیده‌اند. در حالی که سوسیالیست‌ها در انتخابات ریاست جمهوری موفق شدند روی کشمکش‌های داخلی خود سرپوش بگذارند. اکنون پس از شکست نامزد خود در انتخابات ریاست جمهوری، دیگر قادر به این کار نیستند. بین سوسیالیست‌ها و چپ‌های افراطی شکافی عظیم وجود دارد.

۳- نوگلیست‌ها بر خواسته از راست مدرن فرانسه به برقراری نظم و امنیت، مقابله با مهاجران غیر قانونی، حفظ هویت ملی فرانسویان و اصلاحات اقتصادی تاکید دارند. از سیاست‌های اقتصادی دولت و مجلس پیشین که بر نقش هدایت‌گر دولت در اقتصاد تاکید داشتند دوری می‌جویند و از اندیشه لیبرالی در اقتصاد اقتصاد آزاد Free Market حمایت به عمل می‌آورند. سارکوزی می‌گوید من می‌خواهم اقتصاد فرانسه را کارآمد و رقابتی کنم تا بتواند در برابر پیامدهای منفی جهانی شدن مقاومت نماید.

۱- فرانسه قوی در اروپای قوی جایگزین میراث ژنرال دوگل یعنی فرانسه آزاد، رهبر جهان آزاد شود.

۲- همگرایی سیاسی و همراهی تاکتیکی بیشتر با آمریکا در قضایای عراق، فلسطین، پرونده هسته‌ای.

۳- تقویت روحیه ماجراجویی در سیاست خارجی نقطه‌ی تلافی بوش و سارکوزی است که همانا راه‌اندازی مجدد اروپای لیبرال و دفاع از سیاست آمریکا است.

۴- نگاه به پرونده هسته‌ای ایران از دریچه اتحادیه اروپا (EU E) سارکوزی نگاهی تهاجمی به پرونده هسته‌ای ایران دارد و معتقد است باید از تبدیل شدن ایران به قدرت هسته‌ای جلوگیری کرد. اگر ایران به سلاح هسته‌ای مجهز شود امری خطرناک است.

۵- مخالفت شدید با عضویت ترکیه در اتحادیه و سارکوزی پیشنهاد می‌کند ترکیه از طریق عضویت در اتحادیه‌ی مدیترانه‌ای با اتحادیه اروپا تعامل و رابطه داشته باشد.

نتیجه‌گیری

۱- انتخابات ریاست جمهوری فرانسه پیامدهای داخلی و خارجی خود را با کم‌رنگ کردن نقش طیف چپ‌گرایان در سیاست داخلی و همراهی و نزدیکی بیشتر فرانسه و آمریکا در سیاست بین‌الملل و تاثیرگذاری بیشتر فرانسه در مسایل بین‌المللی با کمک آمریکا نشان داده است. با پیروزی راست مدرن در انتخابات این دوره‌ی